

نظام ضرب سکه و مبادلات پولی در عصر ایلخانی

دکتر محبوبه شرفی استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام (ره) شهرری

چکیده

مهم‌ترین رکن نظام ضرب سکه و مبادلات پولی در عصر ایلخانی، سکه‌های فلزی اعم از طلا، نقره و مس بوده که در دوره‌ای کوتاه، اسکناس نیز به یاری آن آمده است. نظام یادشده نظامی چندفلزی و نه تک‌فلزی بوده است. تا پیش از اصلاحات غازان، از سیاستی متمرکز تبعیت نمی‌کرد؛ هر یک از ممالک تحت تابعیت ایلخانان، مسکوکاتی با وزن و عیار خاص داشتند که عموماً مهم‌ترین ویژگی آن در بسیاری از ادوار، تقلب در فلز سکه‌ها و کاهش وزن آنها بوده است. اقتصاد این عصر مبتنی بر نظام یادشده یعنی اقتصادی بر پایه پول و نه مبادله کالا با کالا بوده است. مقاله حاضر می‌کوشد با شناخت چگونگی وضعیت نظام ضرب سکه و مبادلات پولی در عصر ایلخانی و مهم‌ترین ویژگی هایش، کارآمدی و ناکارآمدی آن را بر پایه عوامل مؤثر در آن بشناسد.

واژگان کلیدی: ایلخانان، نظام ضرب سکه، مبادلات پولی، مسکوکات، چاو، برات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۱۸

E-mail: sharafi48@yahoo.com

مقدمه

سومین دوره از هجوم مغولان به ایران، به فرمان منگو قآن با اعزام هلاکو برای تکمیل فتح ایران، سرکوب و فتح قلاع اسماعیلیان، تسخیر بغداد و فروپاشی خلافت عباسی صورت گرفت. هلاکو پس از فتح بغداد، عازم آذربایجان شد و با انتخاب مراغه به عنوان پایتخت، دولت ایلخانان را با نام حاکمیت ایلخانی تأسیس کرد.

اتمام سیل ویرانگر فتوحات مغولی در سایه تساهل دینی - مذهبی خانان مغول و اندیشه ایرانی در راهبری تشکیلات اداری دیوانی قلمرو تحت تابعیت ایلخانان، توانست دگرگونی‌هایی را در وضعیت موجود ایجاد کند.

مقاله حاضر در پی آن است که با شناخت چگونگی نظام پولی عصر ایلخانی، مهم‌ترین ویژگی‌های این نظام را بازشناخته و عوامل مؤثر در کارآمدی و ناکارآمدی آن را، از تحلیل یافته‌های سکه‌ای و کاغذی از میان منابع مکتوب و کاتالوگ سکه‌ها و یا اطلاعات موزه‌ای، بررسی و تحلیل کند. بدیهی است جمع‌آوری همه داده‌های موجود از میان سکه‌های این عصر امکان پذیر نبوده، بلکه از برخی از این سکه‌ها به طور نمونه، جامعه آماری ساخته شده است.

اهمیت این پژوهش از یک سو، بنابر ماهیت آن، یعنی قراردادن در حوزه مطالعات اقتصادی است و از سوی دیگر کم سابقه بودن آن در حوزه پژوهش است. این موضوع نه تنها در عصر ایلخانی بلکه سایر عصرهای تاریخی نیز موضوعی کم پرداخته شده است که مطالعات و تحقیقات بیشتری را می‌طلبد.

در این راستا، مقاله "نظام پولی دوره ایلخانی" از جان ماسون اسمیت و "اسکناس در دوره ایلخانی" از کارل یان و "نظام پولی ایلخانان" از ابوالفضل رضوی، از جمله مهم‌ترین آثاری هستند که به این مهم پرداخته‌اند، با توجه به تاکید اصلی مقاله‌های پیشین به موضوع چاو و تاکید رضوی بر نوع اقتصاد عصر ایلخانی که از نوع اقتصاد طبیعی و یا پولی بوده، پژوهش حاضر نظری اجمالی و مختصر به موضوع چاو داشته و سعی نموده به دیگر جنبه‌های این نظام، خصوصاً مسکوکات، توجه بیشتری نماید.

۲. نظام ضرب سکه و مبادلات پولی در عصر ایلخانی

دانسته‌های ما درباره نظام پولی عصر ایلخانی اندک است؛ این آگاهی نیز بر پایه اطلاعات کم موجود در منابع مکتوب و سکه‌هایی است که از آن عصر باقی مانده است. بر این اساس، مهم‌ترین رکن

این نظام (متأثر از نظام‌های پولی ادوار گذشته) سکه‌های فلزی است که در دوره‌ای کوتاه، اسکناس به یاری آن آمد. بدین روی، نظام پولی این عصر نظامی چندفلزی بوده است: سکه‌هایی که از طلا، نقره و مس ضرب می‌شد (تراپی طباطبایی، ۱۳۴۷: ۱۸-۱۹؛ همو، ۱۳۵۱: ۴۷-۴۸؛ سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۰: ۲۱۸-۲۱۹).

سکه‌های طلا در معاملات و تجارت خارجی ایلخانان با حکومت‌های هم‌جوار و فعالیت‌های کلان اقتصادی در داخل و برخی از امور دیوانی، کاربرد داشته و تعداد آنها به نسبت سایر سکه‌ها، کمتر بوده است. برخی از سکه‌های یادشده نیز جنبه تشریفاتی و یادبود داشته که معمولاً به مناسبت جشن‌ها، مراسم جلوس ایلخان و اعیاد بزرگ ضرب می‌شد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۱۰۵۶).

سکه‌های نقره از نظر کاربرد اقتصادی، در مقایسه با دیگر سکه‌ها، در معاملات تجاری و رسمی در داخل سرزمین‌های ایلخانی رواج و اهمیت بیشتری داشت. در واقع، متداول‌ترین واحد مسکوکات در زمان ایلخانان بود که مهم‌ترین ویژگی آن، فراوانی و اغلب عیار بالای آن در بسیاری از دوره‌های تاریخی عصر ایلخانی است. لازم به توجه است مسکوکات نقره نه تنها در قلمرو ایلخانان، بلکه در سراسر قلمرو مغولان به استثنای چین، نقش اصلی را در معاملات داشته‌است (بارتولد، ۱۳۷۶: ۱۹۳)؛ در باره نوع رابطه سکه‌های طلا و نقره، تنها وصاف است که درباره وضعیت پولی زمان غازان از نسبت یک به چهار مسکوکات طلا و نقره سخن می‌گوید (وصاف، ۱۳۳۸: ۳/۳۵۰) به نظر می‌رسد که در مراحل مختلف حکومت ایلخانی نسبت مشخصی در این زمینه وجود نداشته و تنها در دوره غازان است که در نتیجه اعتبار نسبی سکه‌های طلا رابطه ارزشیان با نقره مشخص شده است (رضوی، ۱۳۸۸: ۷۲).

سکه‌های مسی نیز که به «فلس» شهرت داشته، در معاملات روزمره رایج بوده است. فراوانی سکه‌های نقره و مس می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که مبادلات پولی در میان اقشار مردم رایج بوده و دادوستد بین آنها بیشتر بر اساس دو سکه یادشده (نقره و مس) صورت می‌پذیرفته‌است. فلس یا فلوس واژه‌ای عربی است که معادل فارسی آن پیشیز و یا پول سیاه است. این واژه از ابولوس (Obulus) یونانی و ابولوس (Obolus) لاتین گرفته شده است (وثیق، ۱۳۷۸: ۱۵۵).

بر این پایه، مسکوکات یادشده بر اساس واحد پولی: تومان، دینار، درهم و فلس ارزیابی می‌شد. واحد سکه‌های طلا دینار، سکه‌های نقره درهم و سکه‌های مسی فلس نام داشت (تاریخ شاهی، ۱۳۵۵: ۲۷، ۱۵، ۳؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۸۱۴، ۸۱۵). تومان واحد بزرگی بود که نه تنها در معاملات عادی روزمره، بلکه در پرداخت‌های بزرگ و محاسبه ارقام مالیات و درآمدهای کلان معمول بود. این

واژه ترکی - اویغوری به معنای ده‌هزار است که در نظام پولی، معادل ده‌هزار دینار زر محاسبه می‌شد؛ در واقع، بیست تومان برابر دویست‌هزار دینار زر و دویست تومان، دوهزارهزار دینار زر بوده است (وصاف، ۱۳۳۸: ۲/۲۲۴).

۳. ویژگی‌ها و مشخصات سکه‌های عصر ایلخانی

۳.۱. عبارات و نقوش روی سکه‌ها

بر روی سکه‌های این عصر، عموماً نام و القاب سلطان، سال و محل ضرب سکه، عبارات اسلامی چون لااله الا الله، محمدرسول الله، وحده لا شریک له و گاه آیاتی از قرآن، گاه اسامی خلفای راشدین و در برخی دیگر، نام دوازده امام شیعه اثنی عشری، در موارد معدودی تصاویر حیوانات (خرگوش، مرغ، شیر) و نقوش گیاهی و هندسی مشاهده می‌شود (ترابی طباطبایی، ۱۳۴۷: ۱۹-۲۰؛ همو، ۱۳۵۱: ۴۷-۵۰).

در طبقه‌بندی عبارات حک شده بر روی سکه‌ها در مسکوکات، در دوره اباقا، علاوه بر عبارات لااله الا الله و محمدرسول الله و وحده لا شریک له و شعار علی ولی الله، عبارت بسم الاب و الابن و روح القدس نیز دیده می‌شود. در سکه‌های زمان احمد تکودار، نام خلفای راشدین به عبارات اسلامی اضافه شده و در سکه‌های ارغون، به نسبت سایر سکه‌ها تصاویر حیوانات چون مرغ، شیر و اژدها بیشتر دیده می‌شود. در این مسکوکات، نام ایلخان عموماً با خط اویغوری و عبارات دیگر به خط کوفی نوشته شده است. در اکثر سکه‌های یادشده، برخلاف ادوار دیگر، نام ایلخان با پسوند‌های اسلامی چون قآن الاعظم، العادل، خلد الله ملکه، العظیم، الاعظم و غیره کمتر دیده می‌شود و این اسامی فقط با خط اویغوری بدون پسوند و پیشوند اسلامی - ایرانی حک شده است (همان‌جا).

در سکه‌های دوره گیخاتو نیز عبارت اسلامی حک شده بر سکه‌ها، به عبارت لااله الا الله و محمدرسول الله خلاصه می‌شود؛ نام ایلخان نیز به خط ایغوری نوشته شده و در برخی از آنها، نام و لقب مغولی او «یرنجین تورجی» درج شده است (همان‌جا).

در زمان غازان و جانشینان وی، الجایتو و ابوسعید، افزایش و تنوع عبارات اسلامی را بر روی سکه‌ها شاهد هستیم. از این زمان است که واژه قرآن برای نخستین بار بر روی سکه‌ها حک می‌شود؛ اسامی خلفای راشدین، امامان شیعه اثنی عشری و القاب پرطمطراق اسلامی ایلخانان دیده می‌شود؛ در برخی از سکه‌های زمان الجایتو، نام امامان شیعه و خلفای راشدین در کنار هم ذکر شده و در برخی از آنها، نام خلفای راشدین همراه با القابشان دیده می‌شود؛ چون ابوبکر الصدیق، عمر الفاروق، عثمان

ذی‌النورین، علی ابوالسبطين عليه. نکته جالب توجه آنکه در نمونه‌های موجود سکه‌های یادشده، نام خلفای راشدین در مسکوکات دوره غازان دیده نمی‌شود؛ در واقع، عبارات اسلامی به شعار لاله‌الاله و محمدرسول‌الله و در برخی نام امامان شیعه خلاصه می‌شود و سکه‌ای که در بردارنده شعایر اهل سنت باشد، دیده نمی‌شود (ترابی طباطبایی، ۱۳۴۷: ۱۲-۲۰؛ همو، ۱۳۵۱: ۴۷-۴۸؛ شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۳۳-۲۳۴؛ موزه سکه، شماره شناسه: ۱۹۷۵۲۴۶۱۶، ۱۲۸۴۰۰۳۱۳، ۵۶۰۹).

در درج نام ائمه شیعه اثنی‌عشری بر روی سکه‌های زمان الجایتو، این اسامی بیشتر در سال‌های پایانی حکومت او دیده می‌شود (Mongol and Ilkhanid coins.....: ۸۴-۸۵). این مسئله علاوه بر آنکه برآیندی از چگونگی فراز و فرود باورهای اعتقادی - مذهبی ایلخان است، پایداری این اعتقاد را تا پایان عمر سیاسی الجایتو نشان می‌دهد.

در واکاوی علت استفاده از خط و شعایر اسلامی بر روی سکه‌های عصر ایلخانی، نخست این مسئله را باید در دو دوره حاکمیت مغولان در ایران، عهد نامسلمانی و مسلمانی ایلخان‌ها، جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرارداد.

در دوره نخست، عبارات اسلامی بیشتر به شعار لاله‌الاله‌الله و محمدرسول‌الله و آیه «توتی المُلک من تشاء و تنزع المُلک ممن تشاء» خلاصه می‌شود؛ در دوره دوم است که علاوه بر شعار لاله‌الاله‌الله و محمدرسول‌الله، علی‌ولی‌الله و آیات دیگری از قرآن مجید، عبارت "خلدالله ملکه" و "الملک لله"، ذکر نام خلفای راشدین و ائمه شیعه، عناوین پرطمطراق ایلخان از جمله «پادشاه اسلام» و "شهنشاه اعظم" بر روی سکه‌ها نقش می‌بندد. مسلم است نوشته‌های مزبور بر روی سکه‌ها در دوره دوم، برآیندی از فرهنگ‌پذیری مغولان و تابعیت آنان از اندیشه‌های دینی - مذهبی موجود در سرزمین‌های تحت حکومت آنان است، به طوری که سکه‌های عهد غازان علاوه بر آنکه گویای مسلمانی او است، نشان‌دهنده تمایلات شیعه‌گرایانه او، و سکه‌های عهد الجایتو بیانگر تمایلات افزون‌تری نسبت به آن اندیشه‌هاست؛ باورهایی که به‌رغم فشارهای شدید مذهبی از سوی اهل تسنن، در سال‌های پایانی حاکمیت وی نیز به شکلی قوی، پایدار باقی می‌ماند این تمایلات در دوره ابوسعید دیده نمی‌شود. او مسلمانی سنتی‌مذهب است که برخلاف پدر و عموی خود، تمایل بارزی نسبت به مذهب شیعه ابراز نمی‌دارد و در میان ایلخانان عصر مسلمانی بیشترین سکه‌ها را با تزیین آنها با نام خلفای راشدین دارد (Mongol and Ilkhanid coins.....: ۹۷-۱۰۱). اما، در خصوص عبارات اسلامی موجود بر سکه‌ها در دوره نامسلمانی مغولان، خصوصاً درج آیه «توتی المُلک من تشاء و تنزع المُلک ممن

تشاء»، این مسئله را از یکسو می‌توان ناشی از تساهل دینی و مذهبی مغولان در برخورد با ملت‌های تحت حکومت آنها و از سوی دیگر وامدار اندیشه جهان‌مدارانه آنها در اداره مناطق مفتوحه دانست. برخلاف اندیشه برخی از محققان که این اقدام را ناشی از تبعیت فاتحان مغولی از شعایر و آداب و عقاید اسلامی دانسته‌اند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۸: ۲۱۶)، استفاده از آیه مزبور در ایام آغازین حکومت مغولان یعنی عهد نامسلمانی آنان صورت‌پذیرفت. در این دوره است که مغولان با استفاده از اعتقادات و باورهای ملل تابعه خود، در پی توجیه مشروعیت خویش برای حکومت بر آنان بوده‌اند. در واقع، آنان کوشیدند از تفکرات دینی مردم تحت حکومت خویش برای استواری بنیان‌های آن استفاده کنند. بایسته دقت است این آیه در هیچ‌یک از سکه‌های عهد مسلمانی و کمی پیش‌تر از آن، دوره گیخاتو، درج‌نشده‌است (شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۳۰-۲۳۱؛ ترابی طباطبایی، ۱۳۴۷: ۱-۴۷؛ عزیززاده مقدم، ۱۳۸۸: ۴۸-۷۶).

درباره چگونگی استفاده القاب برای فرمانروایان مغولی بر روی سکه‌ها، می‌توان گفت در بعضی از سکه‌ها این القاب مفصل‌تر و در بعضی کوتاه‌تر است. واژه قآن (به معنی خان بزرگ) از جمله القابی است که معمولاً همراه اسم ایلخان بر روی اکثر سکه‌ها نقر شده است؛ عباراتی چون اوکتای قآن، منگو قآن، و یا نام ایلخان با القابی چون قآن العادل، قآن الاعظم مانند هلاکوخان قآن الاعظم، آباقا قآن العادل و یا نام ایلخان بدون هیچ لقب و عنوانی بر روی سکه‌ها نوشته شده است (همان‌جا). در دوران حاکمیت احمد تکودار و غازان و سپس جانشینان او، واژه «سلطان» جانشین «قآن» گردید و قبل از نام ایلخان قرار گرفت، عناوین از سادگی خارج شد و تفضیل بیشتری یافت؛ چون سلطان احمد تکودار السلطان الاعظم، غازان السلطان العادل. بر روی سکه‌ها علاوه بر سلطان، القابی چون پادشاه اسلام، شهنشاه اعظم، شاه جهان نیز دیده می‌شود؛ پادشاه اسلام شهنشاه اعظم غازان خان خلد ملکه فی دولت السلطان العظیم الامام الاعظم غازان، ضرب فی ایام دوله السلطان الاعظم، مالک الرقاب الامم غیاث الدنیا و الدین الجاتیو سلطان محمد خلد ملکه (همان‌جا و نیز Mongol and Ilkhanid coins, 1992, 81-85, 100).

عناوین و القاب پرطمطراق حک شده بر روی سکه‌ها، از یکسو نشان از قدرت و اقتدار بیشتر ایلخانان و از سوی دیگر فرهنگ‌پذیری آنان دارد، به طوری که واژه‌های قآن و ایلخان جای خود را به واژه‌های ایرانی چون سلطان، شهنشاه و پادشاه می‌دهد.

از مهم‌ترین ویژگی‌های دیگر سکه‌های عصر ایلخانی، ضرب بسیاری از آنها به دو خط اویغوری و کوفی است، به طوری که از خط اویغوری برای نوشتن نام و لقب ایلخان و از خط کوفی برای سایر

نوشته‌ها استفاده می‌شد (Mongol and Ilkhanid coins, ۱۹۷۵، ۸۰:). توضیح آنکه ایلخانان مغول در آغاز حکومت بر سرزمین‌های مفتوحه، زبان مغولی و خط اویغوری را رسمیت بخشیدند و از آن به عنوان خط رسمی استفاده کردند. بنابراین، خط مورد استفاده برای نگارش نام و لقب ایلخان بر روی سکه‌ها، خط اویغوری و نه خط فارسی و یا کوفی است. این روند تا پایان حاکمیت غازان و دوره ابوسعید ادامه یافت. در عهد غازان، علاوه بر خط اویغوری و کوفی، از خط چینی نیز استفاده گردید. به عبارت دیگر، سکه‌های این دوره برخلاف دوره‌های پیشین و ادوار حاکمیت ایلخانان پس از وی، سه‌زبانه است؛ از سوی دیگر، نام و القاب او به هر سه نوع خط یادشده نوشته می‌شود. این مسئله در حالی است که در ادوار پیشین، نام و لقب ایلخان فقط با خط اویغوری نوشته می‌شد (موزه سکه، شماره شناسه: ۲۶/۳، شماره اتوماتیک: ۵۶۰۹؛ ترابی طباطبایی، ۱۳۴۷: ۱۲-۱۹). سلطان الجاتیو ایلخانی است که برخی از سکه‌های زمان وی فاقد خط اویغوری بوده و نام، القاب و سایر عبارت‌های سکه به خط و زبان کوفی نوشته شده است (علیزاده مقدم، ۱۳۸۸: ۴۸-۷۴؛ موزه سکه، شماره شناسه: ۱۰۰۱۳۶۲۰۲، ۱۰۰۱۳۶۶۱۵، ۱۲۵۱۳۶۶۱۶ و نیز Mongol and Ilkhanid coins, ۱۹۹۲: ۸۵-۹۶).

در سکه‌های زمان ابوسعید، اغلب مسکوکات به خط کوفی و در برخی، فقط نام سلطان به خط اویغوری نوشته شده است (موزه سکه، شماره شناسه: ۱۰۰۱۳۶۶۲۹، ۱۰۰۱۳۶۶۲۰۳؛ ترابی طباطبایی، ۱۳۴۷: ۲۸-۴۱، Mongol and Ilkhanid coins, ۱۹۹۲: ۹۷-۱۰۱).

۳.۲. بی‌تصویر بودن سکه‌ها

بی‌تصویر بودن سکه‌های مغولی از دیگر ویژگی‌های سکه در این عصر است. در جریان فتح ایران توسط اعراب مسلمان، خلفا و امرای مسلمان به نقر نام، القاب، آیات و عبارات اسلامی بر روی سکه‌ها اکتفا کرده و برخلاف شاهان ساسانی، از درج تصویر خود بر روی سکه‌ها خودداری کردند. متأثر از تغییر یادشده، سکه‌های مغولی نیز بدون تصویر ایلخان، با ویژگی‌های ظاهری سکه‌ها در ادوار پیشین ضرب گردید؛ جز موارد معدودی که در آن، تصاویر حیوانات چون خرگوش، مرغ، شیر و در برخی، نقوش گیاهی و هندسی چون ستاره شش‌پر، گل شش‌پر و هشت‌پر مشاهده می‌شود. بدین روی، تنوع نقوش سکه‌ها نیز یکی دیگر از ویژگی سکه‌ها در این عصر است (ترابی طباطبایی، ۱۳۴۷: ۱-۴۰؛ علیزاده

مقدم، ۱۳۸۸: ۴۸-۷۴؛ شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۳۰-۲۳۵. Mongol and Ilkhanid coins. ۱۹۹۲: ۷۰-۱۰۱).

این سکه‌ها به خوبی هم‌زیستی و مجالست دو فرهنگ مغولی و فرهنگ ایرانی - اسلامی در عهد نامسلمانی مغولان، روند فرهنگ‌پذیری آنان و سرانجام تفوق فرهنگ ایرانی - اسلامی را بر فرهنگ مغولی نشان می‌دهند. در واقع، از مطالعه و تحلیل سکه‌ها می‌توان فهمید این جریان چگونه و در چه سطحی در میان ایلخانان مغول به وقوع پیوسته است.

برخلاف نظر برخی از پژوهشگران که سکه‌های عصر تسلط و تثبیت حاکمیت ایلخانی (از دوره اباقا تا پایان غازان) را تحت تأثیر فرهنگ مغول دانسته‌اند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۸: ۲۱۶)، باید توجه داشت مسکوکات یادشده بیانگر تفوق فرهنگ مغولی نبوده، بلکه نشان‌دهنده هم‌زیستی و مجالست دو فرهنگ مغولی و ایرانی - اسلامی است. نگارش نام مغولی ایلخان به خط اویغوری و کاربرد عنوان قآن برای او به عنوان نماد فرهنگ مغولی، درج آیات قرآن و عبارات اسلامی، درج القاب اسلامی چون العادل، الاعظم و غیره برای ایلخان‌های غیرمسلمان و القاب و عناوینی ایرانی - اسلامی چون شهنشاہ اعظم، پادشاه اسلام و ... برای غازان، استفاده از خط کوفی و بی‌تصویربودن سکه‌ها به عنوان نماد ایرانی - اسلامی شواهدی برای اثبات این مدعاست. بدین روی، مسکوکات یادشده بی‌هیچ‌روی نشان‌دهنده تفوق فرهنگ مغولی بر فرهنگ ایرانی - اسلامی نیست. این موضوع در حالی است که از زمان غازان و جانشینان وی، شاهد غلبه و تفوق فرهنگ ایرانی - اسلامی و کاهش نفوذ فرهنگ مغولی هستیم. افزایش عبارات اسلامی و قرآنی، درج نام خلفای راشدین و ائمه شیعه، افزایش القاب و عناوین ایرانی - اسلامی برای ایلخان، خط اویغوری برای نوشتن نام ایلخان در زمان الجاتیو و کاهش کاربرد آن بر روی سکه‌ها، تأییدکننده ادعای یادشده است.

۳.۳. تنوع پول

از دیگر ویژگی‌های نظام پولی عصر ایلخانی، تنوع پول در بازار است. در واقع، در قلمرو یکپارچه ایلخانی، نظام واحد و هماهنگ پولی موجود نبوده و هریک از ممالک، مسکوکاتی با وزن و عیارهای گوناگون ضرب می‌کردند که در برخی از آنها، عیار سکه‌ها را کاهش می‌دادند. این ممالک عبارت بودند از: ممالک فارس، روم، گرجستان، ماردین، کرمان، آذربایجان و مازندران (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۱۰۵۵).

مسکوکات یادشده عموماً دربردارنده نوع ارتباط سیاسی میان ایلخان و امیر و یا حاکم تابع وی نیست (احمد توحید، ۱۳۲۱: ۱۴۷-۲۴۷)؛ فقط در سکه‌های معدودی نام ایلخان در کنار نام سلطان و یا حاکم تحت تابعیت وی نقر شده است (همانجا) شایان ذکر است که در سکه‌های سرزمین‌های غیراسلامی و غیرمسلمان‌نشین همچون گرجستان و ماردین، عبارات اسلامی بر روی سکه‌ها ضرب نمی‌شده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۱۰۵۵).

۳.۴. وزن و عیار سکه‌ها

از دیگر ویژگی‌های مسکوکات عصر ایلخانی می‌توان به نبود معیار وزنی ثابت و تفاوت عیار سکه‌ها اشاره کرد. به عبارت دیگر، سکه‌ها در این عصر نه تنها معیار وزنی ثابتی ندارند، بلکه در کیفیت ترکیب آنها نیز شیوه معین و مشخصی وجود ندارد، چنان‌که رشیدالدین فضل‌الله در این باره می‌نویسد: «عیار سکه‌های زر و نقره در ولایات متفاوت بود [...] سکه‌های نقره در آن، از نقره زیادت اثری پیدا نبود، بیکباره مس می‌نمود» (همان: ۱۰۵۴). بر اساس اطلاعات کاتالوگ‌های موجود سکه و سکه‌های موزه‌ها، وزن متداول سکه‌های طلا در عصر غازان، ۳ تا ۵ گرم و در کل عصر ایلخانی از ۲/۵ تا ۷ گرم در نوسان است.

وزن سکه‌های نقره (درهم) از ۲ تا ۳ گرم که بیشترین آن به ۱۱ و ۱۲ گرم در زمان الجاتیو و کمترین آن ۸۵٪ گرم در دوره ارغون، ۱/۱۱ گرم در دوره هلاکو و ۱/۴ گرم در دوره احمد تکودار در نوسان است. سکه‌های نقره عهد ابوسعید هم بین ۲ تا ۳ گرم است که سکه‌هایی با وزن ۵ گرم هم موجود است. بیشترین فراوانی سکه‌های مسی به زمان ابوسعید با وزن ۲ تا ۲/۵ گرم تعلق دارد؛ از این دوره سکه‌هایی با وزن ۴ و ۵ گرم هم موجود است. سکه‌های مس زمان غازان نیز بین ۴ تا ۵ گرم و سکه‌های زمان الجاتیو ۲ تا ۷ گرم است (علیزاده مقدم، ۱۳۸۸: ۴۸-۷۶، ترابی طباطبایی، ۱۳۴۷: ۱-۴۰، شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۳۰-۲۳۵).

این ارقام از یکسو نشان‌دهنده بی‌نظمی‌های پول رایج در این عصر و از سوی دیگر، انجام مبادلات تجاری بر اساس وزن سکه‌هاست؛ بدین معنا که مسکوکات یادشده، بر اساس وزن و عیار و نه تعداد معامله می‌شدند.

۳.۵. ضرابخانه‌ها و نبود نظارت دقیق و هماهنگ بر آنها

نبود نظارت دقیق بر عملکرد ضرابخانه‌ها، دیگر ویژگی و مشخصه نظام پولی این عصر است؛ موضوعی که یکی از مهم‌ترین علل آشفتگی این نظام به‌شمار می‌رود. از اطلاعات منابع چنین برمی‌آید که عیار و وزن سکه‌ها در ایالات و ممالک تابعه ایلخانی متفاوت و متغیر بوده است (احمد توحید، ۱۳۲۱: ۱۴۷-۲۵۶؛ ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۵۸، ۲۶۷). بدیهی است عامل این مهم، ضعف حاکمیت ایلخانی در نظارت بر عملکرد مراکز یادشده است.

از نام محل ضرب سکه، که معمولاً در پشت مسکوکات آمده، هویدا است که مهم‌ترین این ضرابخانه‌ها عبارت‌اند از: ضرابخانه تبریز، بانه، رشیدیه، خوی، بغداد، نیشابور، دامغان، سبزوار، اصفهان، همدان، ری، کاشان، شیراز، یزد، بم، تفتلیس، خلاط، نخجوان، شماخی و غیره. در میان مورخان، علاوه بر نخجوانی که به طور ویژه از تشکیلات ضرابخانه‌ها و مناصب موجود در آن سخن می‌گوید (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱۶۲)، سیفی هروی نیز در تاریخ هرات، از منصب مشرفی دارالضرب خبر می‌دهد (سیفی هروی، ۱۳۵۲: ۵۹۳).

۳.۶. کثرت و فراوانی سکه‌های نقره

کم‌تعداد بودن مسکوکات طلا یکی از ویژگی‌های عمده نظام پولی عصر ایلخانی است. سکه‌های نقره، در مقایسه با دیگر سکه‌ها، از نظر کاربرد اقتصادی در معاملات تجاری و رسمی رواج و اهمیت بیشتری داشته‌است؛ در واقع، مهم‌ترین مشخصه سکه‌های نقره، فراوانی و اغلب عیار بالای آن در بسیاری از دوره‌های تاریخی عصر ایلخانی است. این مسئله در کنار کثرت سکه‌های مسی (فلس) می‌تواند بیانگر آن باشد که مبادلات پولی در میان اقشار مردم رایج بوده و این دادوستد بیشتر بر اساس نظام پولی سکه صورت می‌پذیرفت. رشیدالدین فضل‌الله در خصوص علت اصلی کمبود زر در بازار، بر عامل اخیر تأکید داشته و می‌نویسد: «به واسطه در روزگار مغول جامه‌های نخ و نسج و امثال آن که زر در آن تلف می‌شود بسیار می‌دارند و نیز متاع هندوستان است و آنجا می‌برند، زر کم شده» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۱۰۵۶). این مسئله در کنار موجود نبودن معیار وزن و عیار ثابت در سکه‌های طلا و عرضه ناکافی آن در بازار، فراوانی و کثرت سکه‌های نقره در مقایسه با سکه‌های طلا، سبب اشتباه برخی از پژوهشگران گردیده، چنان‌که نظام پولی آن عصر را تک‌فلزی (سکه نقره) دانسته و وجود سکه‌های طلا را انکار کرده‌اند (اسمیت، ۱۳۶۶: ۱۰۸)، در حالی که عامل فراوانی سکه‌های نقره را

نسبت به دیگر سکه‌ها از جمله طلا و مس نمی‌توان به معنای تک‌فلزی بودن نظام پولی آن عهد تلقی کرد.

سکه‌های طلای باقی‌مانده از عصر ایلخانی و اطلاعات منابع مکتوب، از مهم‌ترین شواهد رد نظریه یادشده است. همان‌طور که پیش‌تر آمد، سکه‌های طلا در دادوستدهای عادی و روزمره مردم رایج نبوده و بیشتر در محاسبات دولتی و معاملات بزرگ تجاری برون‌مرزی و معاملات کلان تجاری در داخل کاربرد داشته‌است. مسکوکات زر در موارد خاص نیز مانند فرارسیدن سال نو، هنگام جلوس ایلخان و یا به عنوان هدیه و انعام به افراد مورد نظر نیز ضرب می‌شده که جنبه یادبود و تشریفات داشته‌است.

در مسئله رایج‌کردن اسکناس کاغذی (چاو)، اسکناس‌های یادشده فقط در داخل قلمرو حاکمیت ایلخانی کاربرد داشته و معاملات خارجی همچنان بر پایه سکه‌های زر صورت می‌پذیرفته و تجار بایستی اسکناس چاو را به خزانه مرکزی تحویل داده و در ازای آن سکه‌های زر دریافت کرده، به تجارت می‌پرداختند: «تجار بحار ملک فارس را که مسافران بلاد یاغی‌اند از خزانه زر بدهند و چاو ایشان بستانند» (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۷۲/۳-۲۷۳). از سوی دیگر، وصاف شیرازی در خصوص رایج‌شدن چاو، باصراحت اظهار می‌دارد که مردم می‌بایست چاو را در ازای سکه‌های زر دریافت می‌کردند. به عبارت دیگر، سکه‌های زر خویش را تحویل داده و در عوض اسکناس دریافت می‌داشتند: «چاو مبارک در عوض زر مانند اشک مهجوران جاری می‌شود» (همان‌جا). علاوه بر آن، منابع به‌صراحت از واحد دینار سخن گفته و از آن به دینار زر یاد کرده‌اند: «از ولایت دیار بکر و میافارقین و چند موضع دیگر [...] هر سال صد هزار دینار سرخ [...] می‌رسید» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۱۰۵۶)؛ «و هر سال یک‌هزار و پانصد من گندم و پانزده دینار زر به امام می‌دهند که در پنج وقت به امامت این مسجد قیام نمایند» (تاریخ شاهی، ۱۳۵۵: ۲۳۵)؛ «و صد و چهل هزار دینار زر از مال مقرر کرمان در محل نظر و تخفیف آوردند» (منشی کرمانی، ۱۳۶۴: ۹۴). وصاف نیز قیمت اسب را به عنوان یکی از مهم‌ترین کالاهای صادراتی جزایر دریای فارس (کیش، قطیف، لحسا، بحرین، هرمز) به معبر، دویست و بیست دینار زر سرخ ذکر می‌کند (وصاف، ۱۳۳۸: ۳۰۳/۳). همو مبلغ مقاطعه سه‌ساله دولتخانه کیش را به ملک‌الاسلام، حاکم فارس، هفتصد هزار دینار زر معادل هفتاد تومان زر می‌نویسد (همان: ۲۲۴/۲). در خصوص میزان مقاطعه شیراز نیز اظهار می‌دارد: «این ایالت را بر ۱۶ بلوک قسمت کردند تا در مدت سه سال مبلغ هزار تومان زر بابت حق مقاطعه بپردازند [...] مال خزانه را به اقساط معین در مدت سه سال بدون تعلل، طلای جایز و نقره طلغم بپردازند» (همان: ۳۴۹/۳-۳۵۰). رشیدالدین فضل‌الله نیز در

خصوص اصلاحات غازانی در مورد سکه‌های رایج می‌نویسد: «تمامت معاملات به زر کنند و در ممالک هیچ زر و نقره نامسکوک سکه مذکوره نماند» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۱۰۵۵). ابن بطوطه نیز از پخش و توزیع مسکوکات طلا توسط کارگزاران و عوامل حاکمیت ایلخانی در زمان ابوسعید در هنگام سفر حج سال ۷۲۸ ق به جهت افزایش اعتبار ایلخان ابوسعید و جلب توجه مسلمانان می‌نویسد (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۱۴). بر این پایه، نظام پولی ایلخانان نه تک‌فلزی و دوفلزی، بلکه چندفلزی بوده است. به سخن دیگر، در این قلمرو سه فلز طلا، نقره و مس هم‌زمان رایج بوده است. بر اساس اطلاع ابن فوطی در سال ۶۸۲ ق، جنس فلس از مس به نقره تغییر می‌یابد. او می‌نویسد: «در این سال سکه‌های فلوس مسی باطل شد و به جای آن، فلس نقره‌ای به بازار آمد، هر ۱۲ فلس یک درهم بود، آن را دناکش می‌نامیدند» (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۵۸)؛ «اما در سال ۶۸۳ فلس‌های نقره‌ای ملغی و بار دیگر فلس‌های مسی رواج یافت، هر سی فلس یک درهم بود» (همان‌جا).

ابن فوطی در شرح وقایع سال ۶۸۴ ق، از باطل شدن درهم‌های موجود گزارش می‌دهد: کار مردم بدین سبب معطل ماند و خریدوفروش انجام نمی‌گرفت. درهم‌های دیگری سکه زدند که در تسعیر هر هشت مثقال آن یک دینار بود. در بهای درهم‌های پیشین اختلاف افتاد. بعضی از آنها هر ده مثقال یک دینار بود و برخی هر دوازده مثقال. مردم در این هرج‌ومرج‌ها بسی زیان کردند (همان: ۲۶۷).

در یک جمع‌بندی، مهم‌ترین ویژگی‌های مسکوکات را در عصر ایلخانی می‌توان چنین برشمرد:

۱. ضرب سکه‌ها در سه جنس طلا، نقره و مس؛
۲. بی‌تصویربودن سکه‌ها؛
۳. استفاده از خط اویغوری و کوفی برای نگارش عبارات بر روی سکه‌ها؛
۴. درج عبارات اسلامی و گاه آیاتی از قرآن بر روی سکه‌ها؛
۵. درج نام ایلخان عموماً به خط اویغوری به استثنای دوره الجایتو؛
۶. سه‌زبانه‌بودن سکه‌های عصر غازان (اویغوری - کوفی - چینی)؛
۷. نقر اسامی خلفای راشدین و القاب آنها بر روی سکه‌های احمد تکودار، الجایتو و ابوسعید؛
۸. نقر اسامی ائمه شیعه اثنی‌عشری بر روی سکه‌های غازان و الجایتو؛
۹. نقر تصاویر حیوانات (خرگوش، مرغ، شیر، اژدها) و نقوش گیاهی و هندسی بر روی برخی از سکه‌ها؛

۱۰. درج نام ایلخان الجایتو به خط کوفی در بسیاری از سکه‌ها؛

۱۱. درج عبارات و شعایر غیراسلامی بر سکه‌های اباقا و ارغون (بسم‌الاب و الابن و روح‌القدس)؛

۱۲. افزایش تنوع عبارات اسلامی بر روی سکه‌های زمان غازان، الجاتیو، ابوسعید؛
 ۱۳. تفضیل القاب ایلخانان بر روی سکه‌های غازان و الجاتیو.

۴. انتشار چاو

اطلاعات منابع مکتوب و سکه‌های باقی‌مانده از عصر ایلخانی بیانگر افزایش آشفتگی‌های مالی در دوره گیکخاتو است. بی‌مبالاتی ایلخان در بذل و بخشش، هزینه‌ها و مخارج غیرمنطقی دربار، گشاده‌دستی صدرجهان و بی‌تدبیری او در سیاست‌های مالی و در نتیجه خالی‌بودن خزانه، شیوع بیماری وبا، مرگ‌ومیر احشام، وقوع قحطی، بی‌ثباتی عیار سکه‌ها و تفاوت آن در ایالات مختلف، ناخالصی و تقلب در فلز سکه‌ها، از مهم‌ترین عوامل دامن‌زدن به وخامت شرایط یادشده است؛ وضعیتی که دستگاه حکومت ایلخانی را به تغییر نظام پولی خود از سکه به اسکناس و یا پول کاغذی وادار کرد. به‌نظر می‌رسد آنچه سبب این تغییر سیاست گردید، کمبود شدید نقدینگی در دستگاه حکومتی ایلخانی در سایه عوامل یادشده است. در واقع، حاکمیت برای برپا کردن رفت از بحران اقتصادی موجود، برقراری نظام تک‌پولی را با چاپ و انتشار اسکناس کاغذی، مهم‌ترین و مناسب‌ترین راهکار دانست.

روایت‌های مورخان این عصر در خصوص واقعه یادشده شبیه یکدیگر است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۸۳۵-۸۳۶؛ میرخواند، ۱۳۷۵: ۹۳۲؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۱۳۸؛ نطنزی، ۱۳۳۶: ۱۳۶؛ منشی کرمانی، ۱۳۶۴: ۱۱۰)، با این تفاوت که اطلاعات و صاف شیرازی به نسبت سایر مورخان، بسیار افزون‌تر است. همو در ترسیم شرایط اجتماعی جامعه ایلخانی در آستانه این تغییر سیاست می‌نویسد:
 چنان‌که در مدت دو سال که صدرجهان عهده‌دار وزارت و حکومت بود، قریب پانصد تومان (پنج‌هزارهزار دینار) قرض کرده و به موجب قزل بیلکا به صاحبان حوالات داده بود (وصاف شیرازی، ۱۳۳۸: ۲۷۱/۳).

این مورخ در انتقاد از هزینه‌های سنگین دربار، به مقایسه مخارج دربار با ادوار پیشین می‌پردازد؛ بدین‌صورت که در زمان گیکخاتو فقط برای خاتونان، غلامان خاص و سایر متعلقان در مدت چهل روز «چهل‌ویک تومان» (چهارصدووهزار دینار) بخشش فرموده، در حالی که خرج مطبخ شاهزادگان و خاتونان در زمان اباقاخان و سلطان احمد در طول یک سال «چهل تومان» بوده است. او خاطر نشان می‌کند در عهد این دولت «صدوشصت‌وپنج تومان» در این راه صرف شده، اما هنوز شهزادگان و خاتونان ناراضی‌اند و بازخواست می‌کنند که چرا فزون‌تر نمی‌شود (همان: ۲۷۰/۳).

وصاف برای روشن شدن اسراف‌های مالی در این زمان، مثال می‌زند که مجموع درآمد سالیانه خزانه «یک‌هزار و هشتصد تومان» است که مبلغ «هفتصد تومان» آن صرف مصالح مملکت و مقرری دیوانیان می‌گردد و باقی‌مانده آن، کفاف سایر مهمات حکومتی و بذل و بخشش‌های شاهانه را نمی‌دهد (همان: ۲۷۱/۳). این مورخ علت‌العلل ایجاد این شرط را اشتغال افراطی ایلخان به لهو و لعب و سپردن امور حکومت به امرا و وزرا می‌داند. او درباره حریص بودن ایلخان در شهوات و افراط در لهو و لعب می‌نویسد ایلخان در شهوات حریص بود و هتک حرمت و دست‌درازی به نوامیس را پیش‌گرفت، بر پسران و دختران دست یازید... [از لهو و سرور دمی نمی‌آسود، چنان‌که شب تا صبح و صبح تا به شب، به این کار اشتغال داشت (همان: ۲۷۵/۳، ۲۷۶).

رشیدالدین فضل‌الله در توضیح علت‌های به‌کارگیری چاو، فقط به خالی بودن خزانه در اثر افراط ایلخان در بذل و بخشش اشاره می‌کند: «مال عالم به وجود او وافی نه». بدین روی، آنچه موجب اتخاذ این سیاست شد، زیاده‌روی‌های او در «بخشش مال است» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۸۲۵).

وصاف در نقد بخشش‌های ملوکانه گیخاتو، در پندنامه خود به ایلخان می‌نویسد: عطا و احسان باید از خزانه خاص سلطان باشد، نه از حاصل دست‌اندازی به مال رعیت (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۸۲/۳). بدین روی، به نظر نمی‌رسد سیاست یادشده، برخلاف نظر برخی از پژوهشگران، سیاستی آگاهانه و مدبرانه از سوی دولت برای ایجاد اقتصادی قوی و کارآمد و استقلال کامل دولت از نظر سیاسی و اقتصادی بوده باشد (یان، ۱۳۶۶: ۷۴).

شاهد دیگری که به رد این نظر کمک می‌کند، توضیحات وصاف شیرازی در خصوص، پیشنهاد به‌کارگیری اسکناس در دولت ایلخانی در سال ۶۹۳ ق، توسط عزالدین مظفر بن محمد بن عمید است. وصاف درباره دلایلی که عزالدین به کمک آن صدرجهان را در اجرای این طرح متقاعد کرد، چنین می‌نویسد: نخست آنکه اکنون خزانه خالی است و برای پرداخت حواله‌ها و سایر مخارج به پول فراوانی احتیاج داریم؛ خصوصاً اینکه وام‌گرفتن بعد از این دشوار خواهد گشت؛ از سوی دیگر، اگر به ناگاه از سوی دشمنی مورد حمله قرار بگیریم، توانایی آماده کردن سپاهی به منظور مقابله با او را نداریم؛ سوم آنکه بیش از این نمی‌توان از رعایا خراج گرفت، چون سبب تنفر آنان و تخریب بلاد می‌شود. بنابراین، بهتر آن است که مانند قان به جای زر و سیم «چاو» را معمول سازیم تا بدین ترتیب معاملات و تجارت رونق گیرد و مال به خزانه بازگردد (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۷۱/۳).

بدیهی آنکه، آشفته‌گی‌های اقتصادی سبب اتخاذ این سیاست گردیده، به نظر می‌رسد نثر متکلف تاریخ وصاف و عدم مطالعه کامل اثر توسط پژوهشگر، سبب اشتباه وی گردیده است.

به‌رغم اصرار دولت در اجرای چاو، عمر آن چندی نپایید و حاکمیت ایلخانی مجبور به لغو آن گردید. رشیدالدین فضل‌الله دربارهٔ اجبار استفاده از چاو می‌نویسد:

یک هفته از بیم شمشیر می‌ستاندند، اما به عوض آن، زیاده چیزی به کسی نمی‌دادند و بیشتر مردم تبریز از راه اضطراب سفر اختیار کردند و اقمشه و اغذیه از روی بازار برگرفتند چنان‌که هیچ چیز یافت نبود[...]. شهری چنان انبوه، از مردم خالی‌شد، رونود و اوباش هرکه را در کوچه‌ها می‌یافتند برهنه می‌کردند و کاروان از آن‌جا منقطع شد[...]. بر جمله خلق در آن بلا گرفتار شده بودند و مسکینان دست به دعا برداشته (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۸۳۵؛ همچنین ابن‌فوطی، ۱۳۸۱: ۲۸۶؛ و صاف، ۱۳۳۸: ۲۷۴/۳).

وصاف شیرازی نیز در خصوص نتایج اجتماعی حاصل از اجرای این سیاست، به آشفتگی اقتصادی در شهرها خصوصاً تبریز اشاره دارد. او دربارهٔ افزایش قیمت‌ها می‌نویسد: یک‌من نان را در تبریز به یک دینار می‌فروختند، البته، اگر کسی موفق به یافتن آن می‌شد و یا آنکه در بازار اسب‌فروشان تبریز، اسبی را که پانزده دینار نمی‌ارزید، صاحب آن حاضر به فروشش به صدوپنجاه دینار چاو نبود. از این رو، در سایهٔ این شرایط و احتمال بروز قحطی، نفیر و زفیر، جوش و خروش خلائق به فلک‌البروج پیوست و حکام و لشکریان را طاقت طاق شد، عوام‌الناس در مسجد تجمع و زاری کردند و آشکارا شکایت آغاز نهادند و عزالدین مظفر و دستیاران او را لعنت نموده و قصد کشتن آنان کردند، اما آنان گریختند (همان: ۲۷۴/۳). بنابراین، ناتوانی حاکمیت در اجرای چاو و در نتیجه افزایش قیمت‌ها، مختل شدن تجارت داخلی و افزایش نارضایتی عمومی، از جمله عللی بود که سلطان را به عقب‌نشینی و صدور فرمان ابطال چاو وادار کرد.

یکی از مهم‌ترین علل عدم پذیرش چاو از سوی مردم و در نتیجه واکنش شدید آنان نسبت به اجرای آن، آماده‌نبودن افکار عمومی در جایگزین کردن کاغذ در قبال طلاست. آنها نمی‌توانستند بپذیرند که طلاهایشان را بدهند و در قبال آن کاغذ بگیرند (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۷۳/۳؛ آقسرایبی، ۱۳۶۲: ۲۳۴). این موضوع نشان‌دهندهٔ بی‌اعتمادی عمیق بین مردم و حاکمیت بیگانهٔ مغولی موجود است؛ در حقیقت، مخالفت با چاو، مخالفت با بنیان‌های مشروعیت مغولان در جامعه است.

نکتهٔ قابل توجه در موضوع لغو چاو، شادمانی فراوان مورخان در بیان اخبار مربوط به آن است؛ شادمانی که به‌حتم برگرفته از خشنودی و شادی مردم است: «عاقبت‌الامر کار چاو به جایی نرسید و ترک آن گفتند و خلافت از آن زحمت خلاص یافتند» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۸۳۶). ابن‌فوطی نیز

در این باره می‌نویسد: «ایلخان فرمان به ابطال چاو داد، خداوند این شر را هم از سر مردم دور نمود» (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۲۸۲). و صاف نیز بیان می‌دارد:

ایلچیان به قطع ماده شر و رفع قاعده محنت عام به اطراف روانه گشتند و به فضل حق [...] این داهیه و ما ادراک ماهیه نار حامیه مندفع شد و خواطر جماهیر خلائق به بشارت این فتوح عزیز [...] سرور (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۷۵/۳).

در میان مورخان، و صاف شیرازی تنها مورخی است که در نقد سیاست یادشده، به موضوع امکان کارآمدی این سیاست می‌پردازد. در واقع، او بر آن است اگر ضوابط و شرایط مربوط به چاو مورد دقت و رعایت قرار می‌گرفت و به قول او:

این شروط فاسد نگشتنی و دگرگونی اراده‌ها و تبدیل دولت‌ها موجب وارونه‌شدن این احکام نمی‌شد و مردم با قطع و یقین آن را به کار می‌بستند، ممکن بود نتیجه‌ای عاید مملکت گردد؛ اما، هدف دولت نه اصلاح امور مردم، بلکه پرکردن خزانه پادشاه و پراکندن اموال مردم بود (همان: ۲۷۳/۳).

۵. اصلاحات غازان و تغییر در نظام پولی

مرگ گیخاتو و جنگ جان‌شینی میان بایدو و غازان، در کنار سیاست‌های ناکام‌مانده اقتصادی وی، بر وخامت اوضاع افزود، به طوری که غازان پس از جلوس بر تخت ایلخانی، وارث مملکتی به‌دبارگراییده با مردمانی رنجور و آسیب‌دیده گردید؛ جامعه‌ای که مهم‌ترین ویژگی آن ویرانی شهرها، خالی‌بودن خزانه، افزایش مالیات‌ها، ترک زمین توسط کشاورزان، تباه‌گشتن کشت و زرع، پایین‌آمدن رفاه زندگی عموم مردم، زیاده‌خواهی‌ها و زیاده‌ستانی‌های مأموران مالیاتی و بی‌لیاقتی کارگزاران دیوانی بود. از این رو، غازان به کمک دیوان‌سالاران خویش، به راهکاری برای برون‌رفت از این بحران اندیشید. اصلاحات غازانی (با فکر و اندیشه خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی) راه چاره برای نجات از این بحران و اصلاح ساختار امور بود. از جمله مهم‌ترین بخش‌های اصلاحات یادشده که به ترمیم اقتصاد نابسامان موجود کمک فراوانی کرد، اصلاح نظام آشفته پولی با ابطال سکه‌های موجود و انتشار سکه جدید به نام دینار رایج و لغو حق ضرب سکه ممالک تابع بود. در این اصلاحات، جنس سکه دینار از طلا به نقره تغییر یافت: «تمامت مالک ضرب زر و نقره به یک سکه مقرر و مستمر گشت» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۱۰۵۵). بر اساس گزارش منابع، مهم‌ترین مشخصه ظاهری این سکه عبارت بود از: درج نام خدای و رسول بر روی آن و القاب و عناوین غازان به خط کوفی، ایغوری و

چینی؛ بر روی دیگر آن، عناوینی با القابی چون شاهنشاه اعظم، پادشاه اسلام، سلطان الاعظم و گاه قآن العادل (که صیغه مغولی دارد) همراه بود. سکه‌های عصر غازان تنها سکه‌هایی هستند که به سه خط و زبان نوشته شده‌اند؛ در هیچ‌یک از دوره‌های پیشین و بعد از غازان خط چینی مرسوم نبوده‌است. رشیدالدین فضل‌الله درباره علت این اقدام می‌نویسد: «نشانی بر آن کرد که هرکس را آن نشان کردن میسر نشود و فرمود تا در تمامت ممالک زر و نقره به آن سکه زنند» (همان: ۱۰۵۵)؛ در نتیجه، قلب این نوع سکه بسیار دشوار بود. بدین روی، مسکوکات عصر غازان برآیندی از هم‌زیستی و مجالست فرهنگ‌های گوناگون (مغولی، چینی، ایرانی - اسلامی) با برتری فرهنگ ایرانی در عصر غازان است. دیگر ویژگی نظام پولی این عصر، یکپارچگی آن در سراسر قلمرو ایلخانی است. توضیح آنکه در نظام پولی جدید، ممالک تابعه حق ضرب سکه نداشته و ملزم به استفاده از سکه واحد بودند. در واقع، حق ضرب سکه به ضرابخانه‌های رسمی دولتی اختصاص داشت که می‌بایست سکه واحد را ضرب کند. فعالیت تمام ضرابخانه زیر نظر بازرسان بود: «در تمامت ممالک ضرب زر و نقره به یک سکه مقرر و مستمر گشت» (همان: ۱۰۵۵).

رشیدالدین فضل‌الله در خصوص ضرب سکه در گرجستان می‌نویسد در گرجستان، هرگز سکه به نام خدا و پیامبر اسلام ضرب نشده بود و این نخستین بار است که این سکه‌ها با این خصوصیات در این سرزمین رایج می‌گردد. آنان موظف به اجرای این حکم بودند، و الا نقد ایشان را در هیچ موضع نمی‌ستدند (همان‌جا). همان‌طور که پیش‌تر آمد، نام ایلخان در سکه‌های یادشده حک نمی‌شد، اما در سایه اصلاحات، نام غازان بر یک روی سکه و نام امیر مملکت تابعه مانند روم، بر روی دیگر سکه دیده می‌شود (احمد توحید، ۱۳۲۱: ۲۴۸).

اتخاذ نرخ و وزن ثابت برای سکه‌ها و خالص گردانیدن آنها از ناخالصی‌ها، دیگر ویژگی دینار جدید بود. یک دینار حاوی سه مثقال نقره بود (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۱۰۵۶). ایلخان دستور داد درهم‌هایی در وزن مساوی ضرب کنند تا مردم به هنگام معامله، آنها را بر اساس وزن بشمارند و دادوستد کنند. وزن هر درهم نصف مثقال بود و نیز درهم‌هایی سکه زد که وزن آنها سه مثقال بود (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۳۰۰).

در خصوص ناخالصی و عیار پایین سکه‌ها، که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد بحران مالی در قلمرو ایلخانان بود، به طوری که بنا بر گزارش رشیدالدین، بسیاری از آنها تنها حاوی ۲۰ درصد نقره و یا کمتر بود، ایلخان غازان فرمان داد که زر و سیم را از ناخالصی پاک کنند:

صلاح در آن است که مطلقاً طلای جائز زنند چنان‌که به ورق توان زد[...]. تا اگر سر مویی در آن تخلیط رود، هم از لون و هم از نرمی ظاهر باشد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۱۰۵۵).
پشتوانه اجرایی فرمان غازان در این باره، مجازات عاملان توزیع زر و نقره مغشوش بود: «هرکس به دل خود سکه سازد [...] گناهکار و کشتنی باشد» (همان: ۱۰۵۹).

از دیگر مفاد اصلاحات غازانی در خصوص نظام پولی، ضرب سکه‌های طلا در وزن‌های پنج مثقالی، دو مثقالی، یک و ربع مثقالی است (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۳۰۰). و صاف ارزش نقدی هر مثقال طلا را معادل چهار دینار و ارزش نقدی هر مثقال نقره را یک دینار ذکر می‌کند (وصاف، ۱۳۳۸: ۳/۳۵۰). بنابراین، عیار سکه‌ها از زر و نقره و وزن مسکوکات و ارزش نقدی آن برای هر دینار، حدود ربع مثقال یعنی ۲/۵ گرم طلا بود (همان‌جا).

دیگر اقدام غازان، دستور ضرب سکه‌های طلا به وزن صد مثقال بود که به «درست» شهرت داشت. بنا بر گزارش رشیدالدین فضل‌الله، نام غازان بر روی این سکه‌ها با سه خط کوفی، چینی و اویغوری، آیات قرآن و اسامی دوازده امام علیهم‌السلام نقر شده بود: «سکه به‌غایت خوب و لطیف است» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۱۰۵۷). سکه‌های یادشده در مراسم جشن و اعیاد کاربرد داشت.

ضرب سکه‌های طلا و انتشار آن در بازار نشان‌دهنده سامان‌پذیری نسبی وضعیت پول در جامعه ایلخانی غازان است. رشیدالدین فضل‌الله اصلاحات یادشده را کارآمد و مفید ارزیابی می‌کند و می‌نویسد در نتیجه این تلاش‌ها، مشکل کمبود زر سرخ در بازار مرتفع و امور تجارت تسهیل گردید (همان: ۱۰۵۶). به‌نظر می‌رسد نتایج یادشده مقطعی و کوتاه‌مدت بوده است، زیرا از مجموع اظهارات وصاف در تحلیل اصلاحات غازانی، چنین برمی‌آید که در سایه اصلاحات، تغییر چشمگیری در راستای بهبود اوضاع عمومی جامعه پدید نیامد. مأموران در جواب سلام خاص و عام می‌گفتند که کی و چیست در آن آستین بگو چند است (وصاف، ۱۳۳۸: ۴/۴۳۶). همو در جستاری دیگر می‌نویسد یک از ده شرط اصلاحات خراج نیز به‌وقوع پیوست (همان: ۵/۶۳۰). به‌رغم کوشش الجاتیو در تداوم سیاست‌های اصلاحی غازان‌خان، از نوشته‌های وصاف چنین برمی‌آید موفقیت چشمگیری در این زمینه حاصل نشد: چون رای سلطانی [...] مصور داشت که در ادارات ممالک به واسطه ایلگامی‌های متواتر تنقیصی فاحش راه یافته و حقوق مستحقان ضایع مانده، بی‌وساطت تذکیری یرلیغ فرمود که در هر ملکی به نسبت مسقطات تدارک کنند و در ازای آن غله به‌سعر وقت دهند و غایله نجس و تقطیر و نقص و تقصیر و تمحیق و تعویق به‌علت تکسیر بی‌مر موامره [...] از میان بردارند (همان: ۴/۴۷۲).

از این سخنان چنین برمی‌آید که در دوره الجاتیو نیز هنوز سخن از ایلغامیشی‌ها و یا همان یورش‌ها و شبیخون‌زدن‌های متواتر مأموران حکومتی بوده است، به طوری سلطان دستور داد در هر ناحیه‌ای به نسبت قصور یادشده، غله به قیمت روز دهند و غایله مالیات‌های اضافه را از میان بردارند. و صاف درباره نتایج اصلاحات در دوره ابوسعید و اوضاع عمومی در سال ۷۲۰ ق نیز می‌نویسد:

در عهدی که بیشتر اوقاف ممالک ایران زمین، دستخوش انهدام و خرابی است و اکثر مدارس رو به ویرانی و مساجد در شرف خراب‌شدن است... (وصاف، ۱۳۳۸: ۶۲۵/۵).

۶. کاربرد برات در عصر ایلخانی

در نظام پولی عصر ایلخانی از اصطلاح مالی به نام «برات» یاد می‌شود که بخش قابل توجهی از امور مالی حکومت را بر عهده داشته‌است. از اطلاعات موجود در منابع می‌توان دریافت که برات‌ها و وصول مکرر آن، یکی از مهم‌ترین عوامل آشفتگی‌های مالی در این عصر است. این واژه در فرهنگ‌های فارسی به معنای حواله نقدی است که به معنای چک هم آمده است؛ به سخن دیگر، برات نوشته‌ای است که بر اساس آن شخصی به فردی دیگر، مبلغی در وجه یا حواله کرد شخص ثالث، در موعد معینی بپردازد. این اصطلاح در نظام‌ها، حواله‌ای از طرف حکومت به شاهزادگان، امرا، اعیان و کارگزاران بوده که به صاحب آن اجازه می‌داد آن را برای وصول واجب و مستمری خویش، از محل مالیات‌های ولایات و ایالات نقد کند (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۱۰۲۵؛ تاریخ شاه‌های، ۱۳۵۵: ۱۳۱).

مسلم آنکه مرجع صادرکننده برات، دیوان بزرگ بوده است که با صدور برات، بخشی از اخراجات مقرر و حقوق کارکنان دستگاه حکومت را از محل عواید مالیات‌ها تأمین می‌کرد. رشیدالدین فضل‌الله از پرداخت دستمزد سلاح‌سازان از طریق برات سخن می‌گوید.

از اطلاعات منابع چنین برمی‌آید که در عصر ایلخانی، شاهزادگان، حاکمان، امرا و حتی محصلان مالیاتی نیز می‌توانستند برات صادر کنند، در حالی که صدور برات حق انحصاری دیوان بزرگ بوده است. بدین روی، ولایات عموماً با برات‌های متعدد و بی‌حساب روبه‌رو بودند که از عهده پرداخت آن برنمی‌آمدند. این مسئله، در کنار اقدام حاکمان ولایات مبنی بر دریافت چندباره یک مالیات در سال به بهانه ناتوانی در پرداخت برات‌های مذکور، بر آشفتگی‌های مالی این عصر می‌افزود (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۱۰۳۶-۱۰۳۷).

عموماً، منابع از نقدنشدن برات‌های یادشده از سوی ولایات خبر می‌دهند. رشیدالدین فضل‌الله در خصوص استیصال مردم در پرداخت برات‌ها می‌نویسد: «مردم به سبب تفاوت و تکلیفات دیوانی و تواتر حوالات سلطانی [...] مستأصل شده‌اند و لشکر هموم بر ایشان هجوم آورده» (همان: ۱۰۲۵).

از مقدار، میزان و ارزش نقدی برات اطلاع دقیقی در اختیار نداریم. آنچه بدیهی است، برات ارزش نقدی متفاوتی داشته که گاه با جنس و گاه با دینار نقد می‌شده‌است. از اطلاعات محمدن‌هندوشاه نخجوانی چنین برمی‌آید که در برات‌های یادشده، کاتب می‌بایست نام عامل، نوع مال حواله‌شده (نقد، جنس) محل صدور برات، علت صدور (حقوق و مواجب، انعام) کتبی یا شفاهی بودن آن و در پایان، مرجع برات و مبلغ آن را بنویسد (نخجوانی، ۱۹۶۷: ذیل «برات»).

یکی از اصلاحات غازان، قانونمند کردن استفاده از برات بود. رشیدالدین فضل‌الله در طرح‌ریزی اصلاحات غازانی، با توجه به مشکلات فراوانی که برات‌ها فراهم‌آورده‌بودند، مؤکد نمود که برات‌ها تنها از سوی دیوان بزرگ و با نشان آلتون تمغا (مهر زرین) صادر شود. حکام و گماشتگان ولایت در برات نکنند تا به کلی دست ایشان از برات و حوالت کوتاه گردد [...]».

در این سال‌ها برات مفصل با آلتون تمغا از دیوان بزرگ نوشتند [...] در برات نوشتن هر ولایتی بیتکچی در دیوان بزرگ نصب کرده‌ایم تا برات نبشته نواب به علامات دیوانی موشح می‌گرداند و آلتون تمغای ما می‌زنند (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۶۲: ۱۰۳۷-۱۰۴۰).

همو نتیجه اصلاحات یادشده را آسودگی رعایا و آبادانی ولایات ذکر می‌کند: «ثمره آن ظاهر گشت، رعایا آسوده و ولایات آبادان شد» (همان‌جا).

در نظام مالی عصر ایلخانی، از فعالیت افرادی به نام ارتاق که عملکردی شبیه شرکت‌های مضاربه‌ای داشته‌اند، یاد می‌شود. در واقع، آنان سکه‌های زر را در ازای دریافت سود به متقاضیان واگذار می‌کردند؛ آنچه در فقه اسلامی ربا خوانده می‌شود.

در نتیجه این نوع معاملات و فعالیت‌های اقتصادی، بخش قابل ملاحظه‌ای از طلای موجود در جامعه در اختیار این افراد بوده است. رشیدالدین فضل‌الله یکی از علل کمبود طلا را در بازارها، سوءاستفاده‌های «ارتاقان» و دیگر کسانی که زر به سود می‌دادند، ذکر می‌کند. بدین روی، با توجه به نقشی که این نوع فعالیت‌ها در آشفته‌گی‌های مالی عصر ایلخانان داشت، در اصلاحات غازانی مورد توجه قرار گرفت: «حکم یرلیغ جهانی مطاع [...] گردانید تا هیچ آفریده بر آن حرکت نامشروع اقدام ننماید» (همان‌جا).

۷. نتیجه

تکوین حکومت ایلخانی، در مقایسه با دوران پس از تهاجم مغولان، نظم و ثبات نسبی در پی آورد که در آغاز، بیشتر صبغه نظامی داشت. رویکرد تعاملی جامعه فرهیخته ایرانی در جهت تعدیل و مهار تفکر و رفتار سیاسی مغولان، توانست با ایجاد دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی، تا اندازه‌ای از نابسامانی‌های ناشی از حضور آنها بکاهد.

یافته‌های پژوهش در خصوص، چگونگی نظام پولی در عصر ایلخانی نشان می‌دهد این نظام متأثر از دوره‌های پیشین، مبتنی بر سکه‌های فلزی اعم از طلا، نقره و مس بوده که در دوره‌ای کوتاه، اسکناس به یاری آن آمده و برات نیز به عنوان حواله‌ای غیرنقدی در این نظام، کاربرد فراوانی داشته‌است. بدین روی، برخلاف نظر برخی از پژوهشگران که این نظام را تک‌فلزی دانسته‌اند، نظامی چندفلزی بوده که در آن برای نخستین بار در تاریخ پول، اسکناس هم مورد استفاده قرار گرفته است. مسکوکات نقره در معاملات داخلی و مسکوکات طلا در معاملات کلان داخل و خارجی نقش اصلی داشته‌است، چنان‌که از اطلاعات منابع مکتوب این عصر به خصوص حوادث/الجمعه برمی‌آید، مسکوکات مس در معاملات خرد و کوچک و بیشتر در میان مردم عادی رواج داشته‌است.

مهم‌ترین ویژگی نظام پولی این عصر، ضرب نکردن سکه‌ها با معیار وزنی ثابت، ناخالص بودن آنها و در برخی موارد تقلب در فلز سکه‌ها و کاهش وزن آن، چنان‌که گاه کاهش میزان طلا و نقره در سکه به حدی است که آن را به مس کامل تبدیل کرده‌است، و رواج مسکوکات محلی و رواج نداشتن سکه واحد است.

در بررسی و تحلیل علت‌های اثرگذار در ایجاد شرایط یادشده، می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

(۱) غلبه اندیشه‌یگریز از مرکز مغولان بر حاکمیت ایلخانی: وجود دیوان‌سالاران ایرانی با اندیشه تمرکز قدرت سیاسی و منع هرگونه پراکندگی قدرت، در کنار اشرافیت نظامی مغول که قائل به این اندیشه نبود، سبب نزاع میان این دو طیف در عرصه قدرت گردید. این مبارزه تا دوران غازان ادامه داشت. در نهایت، دولت‌مردان ایرانی توانستند با مسلمان کردن ایلخانان، به این اندیشه رسمیت بیشتری بخشند.

(۲) این مساله در کنار، آسیب‌های اجتماعی ناشی از تهاجم مغولان و نتایج عدیدة آن، کشاورزی و اقتصاد ایران را دچار آسیب‌های فراوانی کرد.

۲. ثبات نداشتن سیاست‌های اقتصادی، به‌ویژه در حوزه ضرب سکه و انتشار آن

همان‌طور که پیش‌تر آمد، ایلخانان سکه‌های طلا را با عیار و وزن ثابتی ضرب نمی‌کردند؛ گذشته از آنکه هریک از ممالک تحت تابعیت آنان نیز مسکوکاتی با وزن و عیار خاص داشتند. بدین‌روی، از یکسو وضع سیاست‌های پولی مشخص و متمرکز از سوی دولت و از سوی دیگر نظارت‌نداشتن بر اوضاع سکه و در نتیجه افزایش تقلب در فلز سکه‌ها و حتی کاهش وزن آنها، نایاب و یا کمیاب‌شدن سکه‌های طلا و گاه سکه‌های نقره، اوضاع اقتصادی را دچار مخاطره می‌کرد.

اصلاحات غازان تا حدی از نابسامانی‌ها کاست، اما با افزایش رقابت‌های سیاسی میان اهل قلم و اهل شمشیر و شدت‌یافتن تمایلات مرکز‌گرایانه در عصر ابوسعید، بار دیگر شاهد کم‌شدن وزن مسکوکات نقره و فراوانی سکه‌های مسی در این دوره هستیم. برخلاف نظر برخی از پژوهشگران که این امر را ناشی از سیاست پولی هشیارانه ایلخان در جهت بالابردن اعتبار طلا و جلوگیری از صدور آن دانسته‌اند، این مسئله را باید ناشی از بازگشت دوباره آشفتگی‌های سیاسی در عصر ایلخان و ناموفق‌بودن او در مدیریت زمانه خویش دانست.

۳. ناموفق‌بودن ایلخان‌ها در زمامداری خویش

اوج نابسامانی‌های پولی در فاصله انتقال قدرت از آباقا به احمد تکودار، دوران حاکمیت احمد تکودار و انتقال آن به ارغون و در دوران گیخاتو و ابوسعید دیده‌می‌شود؛ در واقع، در عهد مسلمانی ایلخانان نظام پولی از استواری و قدرت بیشتری برخوردار بود.

منابع

- آفسرایبی، کریم (۱۳۶۲). مسامرة الاخبار و مسایرة الاخبار، به اهتمام عثمان توران، تهران: اساطیر.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶). سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد، تهران: آگاه.
- ابن فوطی، عبدالرزاق (۱۳۸۱). الحوادث الجامعة (رویدادهای قرن هفتم هجری)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی.
- احمد توحید (۱۳۳۱ ق). موزة همایون (مسکوکات قدیمه اسلامیة)، قسطنطنیه: طبع اولتمشدر.
- اسمیت، جان ماسون (۱۳۶۶). «نظام پولی دوره ایلخانان»، تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره مغول، ترجمه یعقوب آژند، تهران: اطلاعات.
- بارتولد، واسیلی میروویچ (۱۳۷۶). تاریخ ترک‌های آسیای میانه، ترجمه غفار حسینی، تهران: توس.
- تاریخ شاهلی (۱۳۵۵). به اهتمام و تصحیح ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ (۱۳۵۷). کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نیل.
- ترابی طباطبایی، سید جمال‌الدین (۱۳۴۷). سکه‌های اسلامی دوره ایلخانی، تبریز: موزة آذربایجان.
- ترابی طباطبایی، سید جمال‌الدین (۱۳۵۱). رسم‌الخط اوینغوری و سیری در سکه‌شناسی، تبریز: موزة آذربایجان (نشریه شماره ۶).
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۶۲). تاریخ حبیب‌السییر، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: خیام.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۶۲). جامع‌التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران: اقبال.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۸). نظام پولی در عصر ایلخانی، مجله پژوهش‌های تاریخی، سال چهل و پنجم، شماره چهارم.
- ساندرز، ج. ج. (۱۳۶۳). تاریخ فتوحات مغول، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: امیرکبیر.
- سرفراز، علی‌اکبر؛ و فریدون آوزرمانی (۱۳۸۰). سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: سمت.
- سیفی هروی، سیف (۱۳۵۳). تاریخ‌نامه هرات، تصحیح محمد الزبیر الصدیقی، تهران: خیام.
- شریعت‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۰). سکه‌های ایران زمین (مجموعه سکه‌های مؤسسه کتابخانه و موزة ملی ملک)، تهران: پازینه.
- علیزاده مقدم، حمیدرضا (۱۳۸۸). پژوهشی در سکه‌های اولجایتو، تهران: پازینه.
- کرمانی، ناصرالدین (۱۳۶۴). نسائم الاسحار و لطائم الاخبار، تهران: اطلاعات.

مارکوپولو (۱۳۶۳). سفرنامه، ترجمه منصور سجادی، تهران: گویش.
 مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد، موزه سکه، شماره شناسه: ۵۶۰۹
 مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد، موزه سکه، شماره شناسه: ۱۰۰۱۳۶۲۰۲
 مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد، موزه سکه، شماره شناسه: ۱۰۰۱۳۶۶۱۵
 مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد، موزه سکه، شماره شناسه: ۱۰۰۱۳۶۶۲۹
 مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد، موزه سکه، شماره شناسه: ۱۲۵۱۳۶۶۱۶
 مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد، موزه سکه، شماره شناسه: ۱۲۸۴۰۰۳۱۳
 مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد، موزه سکه، شماره شناسه: ۱۹۷۵۲۴۶۱۶
 میرخواند، محمدبن‌خاوند (۱۳۷۵). روضه‌الصفاء، تهذیب و تلخیص عباس زریاب، ج ۵، تهران: علمی.

نخجوانی، محمدبن‌هندوشاه (۱۹۶۷). دستورالکتاب فی تعیین مراقب، به سعی و اهتمام و تصحیح عبدالکریم علی اوغلی‌زاده، مسکو: اداره انتشارات دانش.
 نطنزی، معین‌الدین (۱۳۳۶). منتخب‌التواریخ، به تصحیح ژان اوبن، تهران: کتابفروشی خیام.
 وثیق، منصوره (۱۳۸۷). سیر دینار در تاریخ پولی ایران، تهران: ستوده.
 وصاف‌الحضره، فضل‌الله‌بن‌عبدالله (۱۳۳۸). تاریخ وصاف، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، ج ۲، ۳، ۴، ۵، تهران: کتابخانه ابن‌سینا و کتابخانه جعفری.
 یان، کارل (۱۳۶۶). «انتشار اسکناس در دوره ایلخانان»، تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره مغول، ترجمه یعقوب آژند، تهران: اطلاعات.

TuncayAykutsennur Aydin (1992)Mongol and Ilkhanid coins, Istanbul;YapikrediYayinlari.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی